

عدالت، قرآن، مہدویت

مجید حیدری نیک

## اشاره:

آنچه بر پایه محکمی استوار نباشد دوام نخواهد آورد، فرو خواهد ریخت و در هم خواهد شکست بدون تردید برای نیل جامعه عدل و تصویر فرهنگ عدل مدار گریزی از پژوهش در کتاب عدل و ترسیم امام عدل نیست.

تلقى قرآن از عدل و عدالت به کیفیتی است که فرهنگ معاصر آن را درک نکرده و جامعه عدل مهدوی آرمان شهری است که آدمی هنوز ضرورتش را در نیافته است به همین دلیل رسالت این نوشتار کاوش از فرآیند فرهنگ عدالت در منظر وحی و نگاهی تطبیقی به عدل مهدوی است.

اصولاً آنهایی که می‌خواهند طرح‌های اسلامی را بررسی کنند ناگزیرند زیر بناها را در نظر بگیرند ایجاد مدینه فاضله عدل محور یکی از مهم‌ترین این طرح‌هاست هر نظامی با توجه به اهداف و آرمان‌های خود پایه‌های استقرار عدالت را در محورهای خاصی جست و جو می‌کند.

هدف این نوشته پرداختن به محورهای کلیدی برای ایجاد تصویری روشن از عدل مهدوی از کانال عدل قرآنی است. تا چه قبول کند و چه در نظر آید.

السلام على مهديّ الامم و جامع الكلم، السلام على القائم المنتظر و العدل  
المشتهر، السلام على ربيع الأنام و نضرة الأيام. السلام على المهديّ الذي  
وعد الله عزّ و جلّ به الامم أن يجمع به الكلم و يلمّ به الشعث و يملأ به  
الأرض قسطاً و عدلاً....

ای خرم از فروغ رخت لاله زار عمر  
از دیده گر سرشک چو باران چکد رواست  
باز آ که ریخت بی گل رویت بهار عمر  
کاندر غمت چو برق بشد روزگار عمر (حافظ)

فرهنگ قرآن پس از گذشت سال‌ها، حرف‌هایی دارد که هنوز فرهنگ معاصر ما از آن  
عقب‌تر است. تلقی قرآن از جامعه عدل و کیفیت آن را فرهنگ معاصر هنوز درک نکرده است.  
این فرهنگ، انسان را به گونه‌ای تحلیل می‌کند که بر اساس آن، برای او تربیتی همچون  
تربیت درخت و حیوان در نظر می‌گیرد و برای او مدینه فاضله و جامعه عدل مداری را ترسیم  
می‌کند که تنها در سیستم اومانیزم و انسان محوری می‌توان بدان دست یافت. بر همین  
اساس، پایان تاریخ را با حاکمیت دموکراسی و قوانین مدنی برخاسته از آن به تصویر می‌کشد.  
در حالی که این فرهنگ، در تجربه و تخیل و تفکر آدمی ریشه دارد و چه کسی است که  
کوتاهی علم و غریزه و محدودیت تجربه و تخیل و اندیشه آدمی را درک نکرده باشد؟

آری، فرهنگی می‌تواند مدل زندگی و نوع تربیت و چگونگی سلوک انسان را طراحی کند  
و برای او سیستم زندگی ارائه دهد که در وحی ریشه داشته باشد. چون انسان با جهان و آدم‌ها  
رابطه دارد و در این جهان که علم، نظامش را تجربه کرده، نمی‌توان بدون ضابطه با پیرامون  
خود رابطه برقرار کرد و این ضابطه را کسی می‌شناسد که به تمام هستی احاطه و از تمامی  
روابط آگاهی داشته باشد.

نگارنده با توجه به این رویکرد، می‌خواهد مسئله عدل و عدالت را از منظر قرآن بررسی  
کند؛ چرا که قرآن، کتاب عدل و ناطق به عدالت است<sup>۱</sup> و بوستان در بوستان و برکه در برکه  
عدالت است.<sup>۲</sup> از قانون عدل و امام عدل سخن بگوییم تا شاید به خود آییم و کوتاهی‌های خود  
را در شناخت مسئولیت‌ها و اجرای آن‌ها باور کنیم و سمت و سوی زندگی خود را با جامعه  
عدل مهدوی هماهنگ سازیم. عنایات خاص متون روایی به مسئله عدل مهدوی، ما را به  
نقش محوری این عنصر در قیام و انقلاب و حکومت حضرت رهنمون می‌سازد. بر اساس  
بررسی‌های به عمل آمده، در فراز اول یکصد و سی حدیث پس از بشارت به آمدن مهدی(ع)

۱. علی(ع): «هو (قرآن) الناطق بسنة العدل»، [غرر الحکم].

۲. علی(ع): «(القرآن) ریاض العدل و غدرانه [نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸].

از عدالت جهان گستر او سخن به میان آمده است.<sup>۱</sup> از این رو، تلاش برای تبیین عدل مهدوی به موازات ترسیم عدل قرآنی ضروری به نظر می‌رسد. برای رسیدن به این مهم، محورهایی را که قرآن روی آن دست گذاشته و در آن عرصه عدالت را بیان کرده، مطرح و آن‌گاه تحت همان محور از عدل مهدوی بحث می‌کنیم.

در این نوشته، علاوه بر بحث از ارزش و مفهوم عدل، از:

حاکم عادل،

کارگزار عدل گستر،

جامعه عدل‌پذیر،

اقتصاد عدل‌گرا،

نظام قضایی عدل‌مدار،

ابزار عدل،

با رویکرد پیش‌گفته سخن می‌گوییم.

## ارزش عدل

از اصول و سنت‌های تغییر ناپذیر الهی که بر آسمان و زمین حاکم است، اصل عدالت است. در سیره و تاریخ رهبران دینی، این موضوع به طور کاملاً آشکاری تبیین شده است. علی(ع) حکیم سخن، راجع به آن می‌فرماید: «العدل اساس به قوام العالم؛<sup>۲</sup> عدل پایه و ستونی است که هستی بدان پا برجا و استوار است». در اندیشه علی(ع) حتی پایه‌های آبادانی و عمران شهرها نیز منوط به اجرای عدالت است. «ما عُمِّرَت البلدان بمثل العدل؛<sup>۳</sup> هیچ چیز مانند عدل، باعث آبادانی شهرها نیست».

در اصل، عدالت عامل بقای دولت‌ها و ضامن استمرار ملت‌هاست. به همین دلیل، امیرالمؤمنین علی(ع) به دولت‌مردان چنین توصیه می‌کند: «اجعل العدل سيفك؛<sup>۴</sup> عدالت را شمشیر کار خود قرار ده». اگر جامعه و ملتی خویش را با این اصل هماهنگ سازد و حرکت خود را در راستا و جهت عدالت قرار دهد، با کل هستی هماهنگ و هم‌آوا شده است و ماندگار و پایدار خواهد بود و هر کس بر خلاف جریان حرکت کند، به ضرورت، آسیب‌پذیر و نابود شدنی

۱. مؤلف منتخب الاثر.

۲. بخار، ج ۷۸، ص ۸۳.

۳. غرر الحکم، ص ۴۰۷.

۴. همان ص ۶۷.

است: ﴿ولن تجد لسنة الله تبديلاً﴾<sup>۱</sup>. در توجه اسلام به عدالت، همین بس که قرآن مجید رعایت عدالت را حتی نسبت به کافران لازم دانسته<sup>۲</sup> و اقامه قسط و عدل را از اهداف پیامبران بر شمرده است.<sup>۳</sup> البته با توجه به اینکه هدف از خلقت، به رشد رساندن انسان در تمامی ابعاد است،<sup>۴</sup> نتیجه می‌گیریم که عدالت، هدف نهایی پیامبران نیست. عدالت از آن جهت که زمینه‌ساز رشد و رستگاری آدمی است، مورد توجه شریعت واقع شده است. از طرفی، قرآن نه تنها اقامه عدالت را در دستور کار همه پیامبران به طور عام قرار می‌دهد که به صورت خاص نیز آن را مأموریت مهم پیامبر ختمی مرتبت به شمار می‌آورد: ﴿وامرت لاعدل بینکم﴾<sup>۵</sup>، ﴿قل امر ربی بالقسط﴾<sup>۶</sup>. افزون بر این، خطاب جامع و فراگیر الهی در آیه نود سوره نحل<sup>۷</sup> فرمانی عمومی در رعایت عدالت در تعاملات اجتماعی است که اهمیت و ارزش موضوع مورد بحث را پر رنگ‌تر می‌نماید.

از این‌ها مهم‌تر، آنچه نظر قرآن را در ارتباط با اهمیت و ارزش عدالت شفاف می‌سازد، تعبیری است که در سوره آل عمران آیه هیجدهم<sup>۸</sup> آمده که پروردگار هستی را اولین اقامه کننده عدل معرفی می‌کند که خودش و ملائکه و صاحبان دانش، گواه این ماجرا هستند. شگفتا که قرآن در این تصویر زیبا، با سبکی منحصر به فرد، درجه ارزش خاص و مقدسی برای برپاکنندگان عدل قائل می‌شود. آری، در فرهنگ قرآنی، اهمیت بسزایی در تعاملات اجتماعی به رفتار عادلانه داده شده که در ریزترین روابط، حتی در نوشتن قرار داد<sup>۹</sup>، در گفتار<sup>۱۰</sup>، در روابط خانوادگی<sup>۱۱</sup>، در صدا زدن افراد<sup>۱۲</sup>، در اصلاح بین دو گروه از مسلمانان<sup>۱۳</sup> و در برخورد

۱. فاطر، ۴۳.

۲. ﴿لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یرجعوا الیکم من دینکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم﴾، [ممتحنه، ۸].

۳. ﴿لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط﴾، [حدید، ۲۵].

۴. ﴿انا سمعنا قرآناً عجیباً یرشد الی الرشده﴾، [جن، ۱ و ۲].

۵. شوری، ۱۵.

۶. اعراف، ۲۹.

۷. ﴿ان الله یامر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی...﴾ نکته قابل توجه در این آیه، این است که فردی از مؤمنان یا انسان‌ها مورد خطاب قرار نگرفته و این، نشان دهنده جامعیت و فراگیری و وسعت افق خطاب این آیه است.

۸. ﴿شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکة و اولو العلم قائماً بالقسط﴾.

۹. ﴿ولیکتب بینکم کاتب بالعدل...﴾، [بقره، ۲۸۲].

۱۰. ﴿و اذا قلتم فاعدلوا و لو کان ذاً قریباً...﴾، [انعام، ۱۵۲].

۱۱. ﴿فان خفتهم الا تعدلوا فواحدة...﴾، [نساء، ۳].

۱۲. ﴿ادعوهم لایاتهم هو اقسط عند الله...﴾، [احزاب، ۵].

۱۳. ﴿فان فاءت فاصلحوا بینهما بالعدل و اقسطوا﴾، [حجرات، ۹].

با یتیمان<sup>۱</sup> رعایت آن را لازم شمرده است. حتی این امر آن قدر اهمیت دارد که رعایت عدالت را در صورت دشمنی نیز به مردم توصیه می‌کند.<sup>۲</sup> از منظر قرآن، عدالت اصل و اساس مبدأ هستی بیان شده است.<sup>۳</sup> و در نهایت، می‌توان گفت مسئله عدالت چنان اهمیتی در اندیشه قرآنی دارد که علاوه بر این که ترازوی خدا در امر آفرینش<sup>۴</sup> است، اجرا کنندگان عدالت را در زمره کسانی قرار داده که محبوب پروردگارشان هستند: «ان الله يحب المقسطین»<sup>۵</sup>. استاد مطهری راجع به آن می‌گوید:

در قرآن از توحید گرفته تا معاد و از نبوت گرفته تا امامت و زعامت و از آرمان‌های فردی گرفته تا هدف‌های اجتماعی، همه بر محور عدل استوار شده است. عدل قرآن هم‌دوش توحید، رکن معاد، هدف تشریح نبوت و فلسفه زعامت و امامت، معیار کمال فرد و مقیاس سلامت اجتماع است.<sup>۶</sup>

اهمیت عدل و احسان را در فرهنگ شیعه می‌توان در گفت‌وگویی که میان امام صادق(ع) با شخصی در حضور اسماعیل بن مسلم رخ داده به دست آورد. اسماعیل بن مسلم می‌گوید: او از امام پرسید: یا بن رسول الله، جمع بین این دو آیه چگونه است: «ان الله یأمر بالعدل و الاحسان...»<sup>۷</sup> و «امر الاّ تعبدوا الاّ اياه»<sup>۸</sup> حضرت فرمودند: آری، هیچ امری در میان بندگان خدا جز اجرای عدل و احسان نیست.<sup>۹</sup> استاد جوادی آملی نیز با استناد به آیه شریفه: «الذی خلقک فسواک فعدلک»<sup>۱۰</sup> گوهر هر انسانی را به طور فطری از منظر قرآن، حق و عدل می‌داند.<sup>۱۱</sup>

۱. «و ان خفتم الاّ تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء»، [نساء، ۳].
۲. «و لا یجرنکم شأن قوم علی أن لا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی»، [مائده، ۸].
۳. «و تمت کلمة ربک صدقاً و عدلاً لا یبدل لکلماته»، [انعام، ۱۱۵].
۴. «والسمااء رفعها و وضع المیزان»، [الرحمن، ۷] در ذیل همین آیه در تفسیر صافی آمده است که رسول خدا(ص) فرمود: «بالعدل قامت السموات والارض».
۵. ممتحنه، ۸.
۶. عدل الهی، ص ۲۸.
۷. نحل، ۹۰.
۸. یوسف، ۴۰.
۹. تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۷۸.
۱۰. انفطار، ۷، (آن که تو را آفرید و اعضایت را تمام کرد و به عدل سامان داد).
۱۱. کاظمی، عدالت در اندیشه سیاسی اسلام، ص ۵۷.



بی‌شک، کتاب و سنت در بردارنده عادلانه‌ترین قوانین هستند و در صورت حاکم شدن بی‌کم و کاست آن‌ها، جامعه طعم عدالت را خواهد چشید. از این رو، یکی از گام‌های اساسی موعود منتظر، احیای کتاب و سنت رسول خداست که در طول زمان به فراموشی سپرده شده و یا قدرت اجرای آن فراهم نبوده و در نتیجه، جز پوسته‌ای از آن‌ها باقی نمانده است. پیامبر خدا(ص) می‌فرماید: «دوازدهمین فرزندم از دیده‌ها غایب شده و پنهان می‌گردد، تا این که زمانی برای امت پیامبر فرا رسد که از اسلام جز نام و از قرآن جز نقشش باقی نماند. در این هنگام، خداوند

بزرگ مرتبه به او اجازه قیام می‌دهد و اسلام را با او آشکار و تجدید می‌کند». <sup>۱</sup> از طرفی، اهمیت موضوع عدالت را در سرلوحه برنامه‌های امام موعود، از نخستین سخنی که حضرت در آغاز تولد به زبان آورده می‌توان به دست آورد. حکیمه خاتون ماجرا را چنین روایت می‌کند:

آن امام بزرگ در لحظات نخستین پس از تولد، لب به سخن گشود و به یکتایی خداوند و رسالت حضرت محمد(ص) و امامت همه امامان گواهی داد، سپس چنین فرمود: «پروردگارا، وعده‌هایت را در مورد من جامه عمل بپوشان و کار مرا به پایان رسان. گام‌هایم را استوار بدار و به وسیله من، زمین را از عدل و داد پر کن».

مؤلف کتاب مکیال المکارم در این مورد می‌نویسد:

عدل، آشکارترین صفات نیک آن امام است. برای همین در دعای شب‌های رمضان، عدل نامیده شده است: «اللهم وصلّ علی ولی امرک القائم المؤمل و العدل المنتظر؛ خداوندا، به ولی امر خود که قیام کننده آرمانی و عدل مورد انتظار همه است، درود فرست.» و در حدیثی که در کتاب کمال الدین و خبر آن از پیامبر(ص) روایت شده، در توصیف امام آمده است: «اول العدل و آخره؛ امام موعود، آغاز عدل

۱. قندوزی، منابع المودة، ص ۴۴۰.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۸.

و پایان آن است.» منظور کمال دادگری آن حضرت است. کمتر حدیثی درباره آن امام رسیده است که از ذکر عدل تهی باشد...<sup>۱</sup>

شایسته است در این قسمت از بحث به آیاتی از قرآن کریم اشاره داشته باشیم که روایات ذیل این آیات، آن‌ها را به عدل مهدوی تفسیر کرده‌اند:

«اعلموا ان الله يحيى الارض بعد موتها قد بينا لكم الآيات لعلكم تعقلون»<sup>۲</sup> «بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می‌کند. ما آیات را برای شما بیان کردیم؛ شاید اندیشه کنید».

مرحوم حرّ عاملی می‌گوید: امامان معصوم (ع) در تفسیر این آیه فرموده‌اند: یعنی خدا زمین را که به واسطه ظلم پیشوایان گمراهی و ضلالت مرده است، پس از ظهور حضرت قائم (ع) به واسطه عدل وی زنده می‌کند.<sup>۳</sup>

«و اشرقّت الارض بنور ربها»<sup>۴</sup>

امام صادق (ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید:

هنگامی که قائم ما به پاخیزد، زمین به واسطه نور پروردگار روشن می‌شود و مردمان از نور خورشید بی‌نیاز می‌شوند و تاریکی‌ها رخت بر می‌بندد. پیامبران و امامان باز می‌گردند و عادلانه بین مردم داوری می‌شود و به هیچ کس ظلمی روا نگردد.<sup>۵</sup>

آیات دیگری در این زمینه هست که به جهت پرهیز از طولانی شدن کلام، از ذکر آن‌ها خودداری می‌کنم.<sup>۶</sup>

## مفهوم عدل

واژه‌ها و اصطلاحات خاص یک مکتب یا یک نظام جامع فکری به عنوان جزئی از ساختار زبانی آن مکتب یا نظام تلقی می‌شود. از همین رو، با بررسی و تحقیق در واژه‌های

۱. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۵۷.

۲. حدید، ۱۷.

۳. اثبات الهداة، ج ۳، ب ۳۲، ح ۴۵۸.

۴. زمر، ۶۹.

۵. تفسیر صافی، نشر علمی، بیروت، ج ۴، ص ۳۳۱.

۶. رک: تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۵، ذیل آیه ۳۳ توبه؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰، ذیل آیه ۳۳ اسراء؛ کمال‌الدین ج ۲، ص ۶۳۸، در ذیل آیه ۲۰ لقمان؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۲، ذیل آیه ۱ و ۲ لیل؛ اثبات الهداة، ج ۳، ب ۳۲، ح ۶۶۰، ذیل آیات ۱ تا ۹ شمس؛ بصائر الدرجات، ص ۵۱۹، ذیل آیه ۱۳۰ نساء؛ کمال‌الدین، ج ۲، ب ۳۵، ح ۵، ذیل آیه ۴ شعراء؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷، ذیل آیه ۴۱ حج؛ بحار، ج ۳۶، ص ۲۱۹، ذیل آیه ۱۵۷ بقره؛ شیخ مفید، ارشاد، ص ۳۴۴، ذیل آیه ۲۸ آل عمران؛ احتجاج، ج ۱، ص ۱۴۰، ذیل آیه ۱۱۵ بقره؛ کافی، ج ۱، ص ۳۴۴، ذیل آیه ۲۸ آل عمران؛ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۷۲، ذیل آیه ۱۸۷ اعراف؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۶۲۰، ذیل آیه ۵۵ نور؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۰، ذیل آیه ۷ و ۸ انفال.



اساسی آن مکتب است که می‌توان به شناخت بنیادهای نظری و فکری آن مکتب دست یافت. واژه عدالت مترادف‌هایی دارد مانند: قسط، قصد، استقامت، وسط، نصیب، میزان، انصاف و غیره که در فرهنگ قرآنی و احادیث به کار گرفته شده است. هر چند با نگاه دقیق، مفهوم هر یک از آن‌ها با یکدیگر متفاوت است.

از میان واژه‌های فوق، دو واژه عدل و قسط در فرهنگ قرآنی بیش‌تر به کار گرفته شده است. متضاد کلمه عدل، جور است.<sup>۱</sup>

راغب اصفهانی می‌گوید:

عدل، عدالت و معادله واژه‌هایی است که معنای مساوات را در بر دارد. پس عدل تقسیم مساوی است و بر این اصل روایت شده<sup>۲</sup> است: *بالعدل قامت السموات و الارض؛ بر اصل عدل آسمان‌ها و زمین بر پا شده است.*<sup>۳</sup>

وی در تفسیر معنای قسط می‌گوید:

القسط هو النصیب بالعدل؛ دست یافتن به سهم و نصیب از روی عدالت قسط است.<sup>۴</sup>

از بررسی فوق می‌توان نتیجه گرفت که در تعریف عدالت، رعایت تساوی و نفی هر گونه تبعیض، رعایت حقوق افراد و دادن حق به حق‌دار و قرار گرفتن هر چیزی در جای خودش، از بهترین تعریف‌هاست که شامل جمله معروف «العدل اعطاء كل ذي حق حقه» و جمله امیرالمؤمنین «وضع كل شی فی موضعه»<sup>۵</sup> هم می‌شود.

یکی از اساتید در این مورد تعریفی ارائه داده که علاوه بر در بر گرفتن معنای فوق، دقت و عمق قابل توجهی دارد. با طرح آیه شریفه: «ان الله یأمر بالعدل و الاحسان...»<sup>۶</sup> چنین می‌گوید: عدل یک مرحله آسان‌تر از احسان است و گاهی به معنای حد وسط و حد اعتدال و میانه افراط و تفریط می‌آید. و این معنایی است که در اخلاق بر آن تأکید دارند و این معنای یونانی این کلمه به حساب می‌آید و اما گاهی عدل، برابری بازده و هماهنگی تکلیف با طاقت

۱. کاظمی، عدالت در اندیشه سیاسی اسلام، ص ۲۷.

۲. تفسیر صافی، ذیل آیه ۷ الرحمن.

۳. المفردات فی غریب القرآن، المکتبة المرتضوی، تهران، صص ۳۲۵ و ۴۰۳.

۴. همان. برای مطالعه بیشتر ر.ک: سجادی، فرهنگ علوم فلسفی و کلامی، ص ۴۷۰؛ عدل الهی، صص ۵۹-۶۳.

۵. «العدل یضع الامور مواضعها...» [نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷].

۶. نحل، ۹۰.

و امکان است که در واقع، معنای این آیه است: «لا یكلف الله نفسا الا ما آتاه»<sup>۱</sup> یا «الا وسعها»<sup>۲</sup> تکلیف برابر با وسعت (توان و طاقت) و برابر با داده است و این معنای دقیق‌تری است؛ چون اعتدال و میانه افراط و تفریط و میانه روی در تمامی صفات انسانی و در تمامی حوزه‌های اخلاق، سیاست، اقتصاد و در تمامی موارد به کارگیری این کلمه، مثل صفات خداوند، تصور ندارد یا تکلف و سختی دارد...<sup>۳</sup>

قطعاً میان دو واژه عدل و قسط تفاوت‌هایی وجود دارد. قسط از واژه‌هایی است که دارای دو معنای کاملاً متضاد است. قسط آن است که حق و حقوق دیگران رعایت گردد و تجاوزی صورت نگیرد؛ در حالی که عدل، رعایت اعتدال و تعادل و برابری در تمامی امور به مقتضای احوال آنهاست و علاوه بر رفتار، به گرایش‌ها، توجهات، علایق و احساسات و تمایلات درونی افراد نیز توجه دارد.

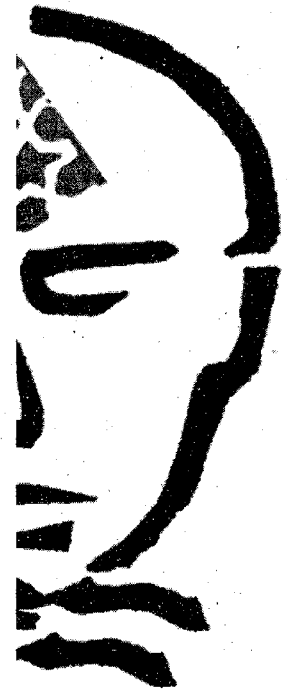
بنابراین شاید بتوان گفت که قسط بیش‌تر به روابط انسان با دیگران و اشیا و طبیعت توجه دارد؛ در حالی که عدل علاوه بر آن، مشتمل بر روابط انسان با خود و خدا نیز هست.

این است که در قرآن قسط بیش‌تر در موارد رعایت حقوق افراد در اجتماع و پاداش و کیفر و اقامه اوامر و اساس آن به کار رفته است.<sup>۴</sup>

هر نظامی با توجه به اهداف و آرمان‌های خود، پایه‌های استقرار عدالت را در محورهای خاصی جستجو می‌کند. نقصان در هر کدام از محورها، ناپایداری عدالت را به دنبال می‌آورد. اکنون که از ارزش و مفهوم عدالت گفت‌وگو شد، بحث عدل مهدوی را از رهیافت عدالت قرآنی در محورهای آینده پی می‌گیریم.

### حاکم عدل

آنچه بر پایه محکمی استوار نباشد، دوام نخواهد آورد؛ فرو خواهد ریخت و درهم خواهد شکست. بدون شک، آن‌گاه می‌توان از جامعه و حکومتی انتظار حرکت به سوی عدالت را داشت که امام و حاکم آن



۱. طلاق، ۷.

۲. بقره، ۲۸۶.

۳. علی صفائی حائری، از معرفت دینی تا حکومت دینی، صص ۵۳ و ۵۴.

۴. جمشیدی، نظریه عدالت، ص ۱۲۴.

جامعه، خود در مسیر عدالت باشد و در زندگی فردی و اجتماعی عدالت را پیشه خود سازد. از این رو، می‌بینیم قرآن با تکیه بر همین اصل، مأموریت اجرای عدالت را از رهبری آن خواستار می‌شود: «امرت لا عدل بینکم»<sup>۱</sup>. در همین راستا به او فرمان می‌دهند که این مأموریت خود را هم به مردم اعلام کند: «قل امر ربی بالقسط»<sup>۲</sup>.

پیشوا و رهبر مسلمانان باید در بالاترین مرتبه تقوا و پرهیزکاری و از هر گونه شائبه ظلم و ستم به دور باشد. خصوصاً وقتی عدالت، زمینه ساز تقوا و هدایت‌گر و مقرب پرهیزکاری باشد که: «اعدلوا هو اقرب للتقوی»<sup>۳</sup>.

البته این مسئله مخصوص پیامبر(ص) نبوده؛ بلکه الفبای اولیه و دستور کار همه رسولان الهی در زمینه سازی برای ایجاد قسط و عدل بوده است.<sup>۴</sup> به خصوص آن‌جا که داستان حکومت و رهبری یک ملت در میان باشد. درست به همین جهت است که داوود پیامبر(ع) با خطابی قاطع، مأمور اجرای عدالت در میان مردم می‌شود: «یا داود انا جعلناک خلیفة فی الارض فاحکم بین الناس بالحق»<sup>۵</sup>.

در واقع، پایداری حکومت منوط به عدل و دوری از ظلم است.<sup>۶</sup>

امام موعود(ع) به عنوان رهبر معصومی که تحقق بخش عدالت در سراسر جهان خواهد بود، در بالاترین درجه عدالت قرار دارد و روش و منش او کاملاً بر عدالت منطبق است. توجه به مفاد بیعتی که امام در آغاز قیام خود از یارانش می‌گیرد، ما را به عمق سیره و روش مبتنی بر عدالت آن حضرت رهنمون می‌سازد:

با او بیعت می‌کنند که هرگز دزدی نکنند، مسلمانی را دشنام ندهند، خون کسی را به ناحق نریزند، به آبروی کسی لطمه نزنند، به خانه کسی هجوم نبرند... خوراکی از گندم و جو انبار نکنند، به کم قناعت کنند، طرفدار پاکی باشند، از پلیدی گریزان باشند، به نیکی فرمان دهند، از زشتی‌ها باز دارند، جامه‌های خشن بپوشند، خاک را متکای خود سازند، در راه خدا و حق، جهاد کنند و ....  
او نیز در حق خود تعهد می‌کند که از راه آن‌ها برود، جامه‌ای مثل آن‌ها بپوشد، مرکبی

۱. شوری، ۱۵.

۲. اعراف، ۲۹.

۳. مائده، ۸.

۴. «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط»، [حدید، ۲۵].

۵. ص، ۲۶.

۶. «الملك یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم»، [بحار ج ۲۲ ص ۳۳۱]

همانند مرکب آنها سوار شود، آنچنان که آنها می‌خواهند باشد، به کم راضی و قانع شود، زمین را به یاری خدا پر از عدالت کند چنان که پر از ستم شده است؛ خدا را آنچنان که شایسته است بپرستد، برای خود دربان و نگهبان اختیار نکند و...<sup>۱</sup>

افزون بر پیمان یاد شده، امام مهدی(ع) در نخستین سخنرانی خود پس از ظهور نکاتی را یادآور می‌شوند که به خوبی، راه و روش مبتنی بر عدالت و پرهیزکاری آن حضرت را روشن می‌سازد. متن این سخنرانی به نقل از امام باقر(ع) چنین است:

مهدی در هنگام نماز عشا در مکه ظهور می‌کند، در حالی که پرچم رسول خدا - درود خدا بر او و خاندانش باد - و پیراهن و شمشیر او را با خود دارد و دارای نشانه‌ها و نور و بیان است. وقتی نماز عشا را به جا آورد، با صدای رسا و بلند خود می‌فرماید: ای مردم! خدا و روز واپسین را که در پیشگاه او می‌ایستید، به یاد شما می‌آورم. او حجت خود را برگزید ... من شما را به خدا و رسولش و عمل به کتاب خدا و ترک باطل و احیای سنت او دعوت می‌کنم...<sup>۲</sup>

عدالت مهدوی تا آن جا پیش می‌رود و عمیق می‌گردد که درون خانه‌ها، قانون عدل حاکم می‌شود و روابط داخلی در چارچوب و معیار و میزان عدالت شکل می‌گیرد. امام صادق(ع) می‌فرماید:

«...اما والله لیدخلن (القائم) علیهم عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحرّ والقرّ»<sup>۳</sup>.

توجه به روایت زیر، ما را در درک سیره شخصی امام مهدی(ع) به عنوان حاکم اسلامی یاری می‌کند. مفضل بن عمر یکی از اصحاب امام صادق(ع) چنین نقل می‌کند:

در خدمت امام صادق(ع) مشغول طواف بودم. در همین هنگام، امام نگاهی به من کرد و فرمود: چرا این‌گونه اندوهگینی و چرا رنگت تغییر کرده است؟ گفتم: فدایت شوم! بنی عباس و حکومتشان را می‌بینم و این مال و سلطنت و قدرتی که در دست آنهاست؛ اگر این‌ها در دست شما بود، ما هم با شما در آن سهیم بودیم.

امام فرمود:

ای مفضل، بدان اگر قدرت در دست ما بود، شب‌ها به تدبیر امور و روزها به تلاش و کوشش می‌پرداختیم. جامه‌ای زبر بر تن داشتیم و غذای بی خورشت می‌خوردیم.

۱. ابن طاووس، ملاحم و الفتن، صص ۴۹ و ۱۲۲.

۲. معجم احادیث الامام المهدی ج ۳، ص ۲۹۵.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

درست مانند شیوه امیرالمؤمنین که بر او درود باد؛ زیرا اگر جز این عمل شود، پاداش آن دوزخ خواهد بود.<sup>۱</sup>

## کارگزار عدل گستر

یکی از نیازهای تمامی حرکت‌های انقلابی برای برقراری عدالت در جامعه، تربیت مهره‌های کارآمد و مجربان و کارگزاران عادل است. فقدان چنین افرادی بسیاری از حرکت‌های عدالت خواهانه را با شکست مواجه ساخته است.

قرآن گاهی برنامه‌هایش را مستقیم طرح و در موردش گفت‌وگو می‌کند و گاهی غیر مستقیم و در قالب داستان و بیان تمثیل<sup>۲</sup>. آیات ۲۹ تا ۳۴ سوره طه در قالب داستان حضرت موسی(ع) به اهمیت یاران کارآمد و مهره‌های توانمند در کنار رهبری اشاره می‌کند. موسی از خدا می‌خواهد که وزیری برای او از خانواده‌اش قرار دهد: ﴿واجعل لی وزیراً من اهلی﴾؛ چون برای اجرای مأموریتش، پشتوانه محکمی می‌خواست: ﴿اشدد به ازری﴾؛ آن هم برای تعمیم فرهنگ ذکر و تسبیح در جامعه: ﴿کی نسبحک کثیراً و نذکرک کثیراً﴾. در آیه ۳۵ سوره فرقان، به شکل واضح‌تری به این مهم پرداخته شده است: ﴿لقد آتینا موسی الکتاب و جعلنا معه هارون وزیراً﴾ که خدا برای انجام مأموریت فرهنگی، دو قدرت به موسی عطا می‌کند: یکی کتاب (یعنی آیین زندگی) و دیگری پشتوانه محکمی چون هارون وزیر. و در پی فراهم شدن این دو عنصر، حالا نوبت اجرای مأموریت است: ﴿فأذهبنا الی القوم الذین کذبوا بآیاتنا...﴾؛ پس بروید به سمت گروهی که نشانه‌های ما را تکذیب کردند.<sup>۳</sup>

علاوه بر قرآن، در سیره پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) نیز شواهد بسیاری در اهمیت نیروسازی قبل از هرگونه کار اصلاحی می‌توان مشاهده کرد.<sup>۴</sup>

امام مهدی(ع) نیز به اهمیت این امر به خوبی واقف است. او می‌خواهد آرمانی‌ترین نظام عادلانه را در جهان ایجاد کند. پس باید ریشه‌ها را محکم کند و به مهره سازی رو آورد؛ چون

۱. همان، ص ۲۵۹. روی همین مناسبات است که رهبران دینی بر خود سخت می‌گیرند تا اگر در حجاز و یمامه گرفتاری باشد، زندگی بر او سخت نیاید. [نهج البلاغه، نامه ۴۵ به عثمان بن حنیف].

۲. ﴿لقد کان فی قصصهم عبرة لأولی الالباب﴾، [یوسف، ۱۱۱].

۳. درخواست حضرت عیسی(ع) از حواریون برای یاری‌اش در مسیر خدا نیز مؤید مطلب است: ﴿فلما احس عیسی منهم الکفر قال من انصاری الی الله قال الحواریون نحن انصارالله﴾، [آل عمران، ۵۲].

۴. سه سال دعوت مخفی پیامبر، ۲۵ سال سکوت حضرت علی، صلح امام حسن و قیام امام حسین و فعالیت‌های ائمه هدی(ع)، همه در راستای هدف پیش گفته می‌باشد.

هر قدر آرمان مکتبی بالاتر باشد، به مهره‌های نیرومندتری نیاز دارد. دوران غیبت بهترین فرصت برای دست یافتن به چنین یارانی است. پیش بینی قرآن و روایات، چنین تربیتی را بشارت می‌دهد.

امام باقر(ع) در تفسیر آیه شریفه: ﴿الذین ان مکتاهم فی الارض اقاموا الصلوة...﴾<sup>۱</sup> می‌فرماید:

این آیه در شأن مهدی و یارانش نازل شده است. خداوند به وسیله آنان، دین خود را آشکار می‌کند و حاکم می‌گرداند، به گونه‌ای که اثری از ستم و بدعت دیده نشود.<sup>۲</sup>

در حکومت امام مهدی(ع)، نظام حکومتی به شیوه‌ای شکل گرفته که امکان ظلم و بی‌عدالتی به صفر می‌رسد. امام علی(ع) در این مورد می‌فرماید:

(قائم ما) قاضیان زشتکار را کنار می‌گذارد و دست سازشکاران را از سرتان کوتاه می‌کند و حکمرانان ستم پیشه را عزل می‌نماید و زمین را از هر نادرست و خائنی پاک می‌سازد و به عدل رفتار می‌کند.<sup>۳</sup>

در مورد ویژگی کارگزاران قائم(ع)، در روایتی از امام صادق(ع) چنین می‌خوانیم:

... نشان سجده بر پیشانی آن‌ها نقش بسته است. آن‌ها شیران روز و زاهدان شب‌اند. دل‌هایشان مانند پاره‌های آهن است و هر کدام از آن‌ها توان چهل مرد را داراست.<sup>۴</sup>

و در روایت دیگری داریم:

حضرت مهدی، یارانش را در همه شهرها پراکنده می‌سازد و به آن‌ها دستور می‌دهد که عدل و احسان را شیوه خود سازند و آن‌ها را فرمانروایان کشورهای جهان گرداند و به آن‌ها فرمان می‌دهد که شهرها را آباد سازند.<sup>۵</sup>

طبیعی است در حکومتی که امام مهدی(ع) رهبری آن را به عهده دارد، کارگزاران و مسؤولان حکومت نیز باید از بزرگان و نیکان امت باشند. از این رو، می‌بینیم در روایت، ترکیب دولت مهدی را از پیامبران و جانشینان آنان، تقوا پیشگان و صالحان روزگار و امت‌های پیشین و از سران و بزرگان اصحاب پیامبر(ص) بیان می‌کند که نام برخی از آنان بدین گونه است:

۱. «انان که وقتی در زمین حاکمیتشان بخشیم، نماز بیا می‌دارند...»، [حج، ۴۱].

۲. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷.

۳. بحار، ج ۵۱، ص ۱۲۰، ج ۲۳.

۴. همان، ج ۵۲، ص ۲۸۶، ج ۲۰۲.

۵. دخیل، الامام المهدی، ص ۲۷۱.

حضرت عیسی (ع)<sup>۱</sup>، هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی (ع)، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابودجانہ انصاری، مالک اشتر نخعی و قبیلہ ہمدان.<sup>۲</sup> در برخی روایات، نام مقداد نیز آمده است.<sup>۳</sup>

### جامعه عدل پذیر

تحقق عدالت علاوه بر عنصر عدالت حاکم و عدالت کارگزار، به جامعه‌ای نیازمند است که عدالت محور باشد و روابط اجتماعی و تعاملات افراد با یکدیگر بر اساس عدل و احسان مبتنی باشد.

قرآن کریم به عنوان یک کتاب جامع که دربرگیرنده همه آنچه بشر بدان نیاز دارد می‌باشد، به این امر اساسی توجه کرده، می‌فرماید: ﴿ان الله یأمر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی﴾.<sup>۴</sup>

در این که عوامل فحشا و منکر و ستم چیست و چرا جامعه دچار چنان ناهنجاری‌هایی می‌شود، متخصصان امور و آگاهان آسیب‌های اجتماعی بر این باورند که عناصر اضطراب، ترس، فقر و حرص، آدمی را به ناهنجاری‌های اجتماعی می‌کشاند و در نقطه مقابل، سه عنصر امن، ظرفیت و استغنا، حاصل روابط عادلانه و محسنانه می‌باشد.

به همین جهت، قرآن چه زیبا با توجه به نکات پیش گفته، با طرح خدا محوری و عبودیت: ﴿... لا تعبدون الا الله﴾<sup>۵</sup> راه حل برون رفت از این معضل را ارائه می‌دهد و عبودیت به معنای بندگی کردن، کنترل محرک‌ها و نظارت بر حرکت‌ها را می‌خواهد. زیرا عبودیت بر انگیزه‌های طبیعی و غریزی و جمعی اثر می‌گذارد و عادت‌ها را کنترل می‌کند و عادت‌ها و کارهای تازه را پایه می‌ریزد.

گذشته از انگیزه‌های درونی، عبودیت، آرمان‌ها و ارزش‌ها و اهداف جدیدی می‌سازد. چون به هنگام مقایسه بت‌ها و معبودهای گوناگون با خویش و با خدا، تلقی انسان از خودش و توقع و خواسته انسان از کارهایش دگرگون می‌شود و حقارت بت‌ها و معبودها در انسان نقش می‌گیرد و تعلق و وابستگی‌ها شکسته می‌شود. تعلق به لذت، به قدرت، به ریاست، به ثروت و

۱. ابن طاووس، الملاحم و الفتن، ص ۸۳

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲.

۳. معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۳۱۴.

۴. نحل، ۹۰.

۵. قرآن کریم در آیه ۸۳ سوره بقره قبل از دستور به عدل و احسان، مسئله عبودیت را مطرح می‌کند و بدین ترتیب، رابطه منطقی و عقلانی بین عبودیت و عدل و احسان را به تصویر می‌کشد.

... تمامی این‌ها وضع جدیدی به خود می‌گیرد.

این یک اصل طبیعی است که شرک، پراکندگی می‌آورد و نتیجه پراکندگی، اضطراب و نگرانی است و توحید، وحدت و اطمینان و امنیت را به ارمغان می‌آورد. و باز هم طبیعی است اگر علایق آدمی به دنیا و جلوه‌های آن و غایت همت وی متاع‌های زودگذر شد، نتیجه این نوع زیست، ناامنی، بی‌ظرفیتی، شتاب و بردگی است. زیرا رسیدن به همه آن‌ها مقدور نیست و همیشه غصه و غم نرسیدن به آن‌ها، همراه آدمی است و بر فرض وصال هم، ترس از دست دادن و وحشت از جدایی، آرامش آدمی را به هم می‌زند.

ولی در طرف دیگر، آنان که در صراط عبودیت گام می‌زنند، چون با ذکر و یادآوری همراه شده‌اند، چون با دنیاهای گسترده‌تری آشنا شده‌اند، آن‌ها را باور کرده‌اند و به دنیا نگاه استقلال‌ی ندارند، رفت و آمد دنیا در آنان طوفان به پا نمی‌کند؛ دنیا را کلاس و راه می‌بینند؛ پس در جایگاه‌های قدرت و ثروت و مقام متوقف نمی‌شوند. آنان با چنین زاویه دیدی به ظرفیت، به وسعت سینه و به حلم و بردباری و به تحول مستمر دست می‌یابند. اگر علی(ع) می‌گوید: دنیای شما در نظر من از آب بینی بز یا استخوان لیسیده در دست جزامی یا یک لنگه کفش کهنه کمتر است مگر آن که «اقیم حقا او ادفع باطلا؛ حقی را به پا کنم و باطلی را کنار بزنم» از همین دیدگاه مایه می‌گیرد.

به راستی وابستگی به دنیا، حلقه بندگی و نیازمندی و بردگی را بر گردن انسان می‌اندازد و آدمی را به زیستنی مذلت‌بار می‌کشانند. ولی آنان که به عبودیت و خدامحوری رسیده‌اند، به بصیرت و بیداری و واقع‌نگری دست یافته‌اند. در نتیجه، با مرکب استغنا و غنای نفسانی همراه شده‌اند و زیستنی عزت مدار و سلوکی بر پایه اقتدار دارند؛ چون کسی که دو پای شکر و صبر را دارد، کسی که در تمامی شرایط و در تمامی موقعیت‌ها موضع‌گیری مناسب دارد، دیگر جایی برای اضطراب و تزلزل و حزن و خوف نمی‌گذارد و معنایی به ذلت نمی‌دهد که امن و اقتدار و اطمینان این وجودها، دیدنی و یافتنی و دوست داشتنی است. کسانی ذلیل‌اند که در متن و اوج برخوردار از دنیا، دگرگونی نعمت‌ها و مرگ آگاهی، سرزمین وجودشان را مضطرب و متزلزل می‌سازد.

به هر تقدیر، برای دستیابی جامعه به عدالت، نیاز به سه عنصر است: «امنیت»، «ظرفیت» و «استغنا» و این عناصر جز از کانال عبودیت و از بزرگ‌راه بندگی فراهم نمی‌شود. به جهت تأمین این عناصر است که ظهور آن یگانه غایب از نظر به تأخیر افتاده و دوران



غیبت شکل گرفته است.

فقدان جامعه عدالت‌محور، نقیصه‌ای است که شیعه منتظر باید در پی ایجاد آن باشد؛ چون عدالت مهدوی نیازمند چنین جامعه‌ای است و فرهنگ شیعه بر پایه همین تفکر برنامه‌ریزی شده است. بر پایه همین بینش است که پیامبران الهی در مأموریت آسمانی خود، خواهان اقامه عدل در جهان و در بین همه انسان‌ها بوده‌اند و می‌خواستند مردم را طوری تربیت کنند که آنان خود قسط و عدل را به پا دارند، نه آن‌که به زور و قدرت حاکم به عدالت تن دهند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط﴾<sup>۱</sup>.

در آخر این آیه شریفه فرمود: ﴿لیقوم الناس بالقسط﴾ و نفرمود: ﴿لیقام الناس بالقسط﴾. فعل «یقوم» به صورت معلوم به کار رفته، یعنی با آگاهی و اراده و اختیار، قسط و عدالت را اقامه کنند، نه فعل مجهول «یقام» که یعنی آنها را به پا دارند؛ زیرا فرق است بین این که حاکمی خود عادل باشد و بخواهد در حکومت او عدل اجرا شود و به کسی ستم نگردد و آن که مردم در جامعه، از نظر کمالات و درک عقلانی به جایی برسند که خود اقامه عدل نمایند.

این عالی‌ترین و پیشرفته‌ترین مدل نظام عدالت‌محور است که بر عنصر آگاهی و آزادی جامعه تکیه دارد؛ آن هم جامعه‌ای که از نقطه عبودیت عبور کرده و در فضای بندگی سیر می‌کند.

به هر حال، امام عدالت، مأموم عدالت‌مدار می‌خواهد و دولت عدالت، ملت عدالت‌خواه. در همین رابطه، حدیث تأمل‌برانگیزی از امام باقر(ع) نقل شده است:

حمران از امام باقر(ع) می‌پرسد: ای کاش می‌فرمودید قیام حضرت چه زمانی اتفاق خواهد افتاد تا دل ما شاد گردد! امام(ع) در قالب یک حکایت پر معنا، زمان را به سه دوره تقسیم می‌کند: زمان گرگ، زمان میش، و زمان ترازو. بدین سان، حمران را متوجه این نکته می‌کنند که تا زمان ترازو فرا نرسد، زمان حاکمیت امام عدالت‌گستر نیز فرا نخواهد رسید.<sup>۲</sup>

امام باقر(ع) به خوبی روشن می‌سازد که اگر مردم گرگ‌صفت باشند، پدیده غصب خلافت رخ خواهد داد. و اگر میش‌صفت باشند، هرچند تمایل به بازگرداندن خلافت غصب شده دارند، عملاً چنین اتفاقی نخواهد افتاد. و بالاخره این که اگر مردم ترازو‌صفت و عدالت‌مدار باشند، حق غصب شده امامت را به صاحب اصلی آن باز می‌گردانند.

در مدینه قرآنی مهدوی، همه جا امنیت برقرار می‌شود. امام صادق(ع) در تفسیر آیه: ﴿و

۱. حدید، ۲۵.

۲. ماهنامه موعود، ش ۳۵، ص ۳۰، (به نقل از کافی، ج ۸، ص ۳۶۲).

لبيدلتهم من بعد خوفهم امنا<sup>۱</sup> می فرماید:

این آیه شریفه در باره امام زمان است. در آن زمان، چندان امنیت بر سراسر گیتی گسترده می شود که از هیچ چیز به چیز دیگر زیان نمی رسد؛ ترس و وحشتی به چشم نمی خورد؛ حتی جانوران و حیوانات در میان مردم رفت و آمد می کنند و به یکدیگر آزاری ندارند.<sup>۲</sup>

## اقتصاد عدل‌گرا

اصولاً آن‌هایی که می‌خواهند طرح‌های اسلامی را بررسی کنند، ناگزیرند که زیربناها را در نظر بگیرند و گر نه، آن طرح‌ها همانند ساختمان محکمی هستند که در فضا تصویرش را بکشند و در میان زمین و هوا قرارش دهند.

اقتصاد عدالت‌محور یکی از همین طرح‌هاست. اگر منظور از رفاه اقتصادی فقط پر کردن شکم‌ها، نمایش دادن دارایی‌ها و غوطه‌ور شدن در یک زیست حیوانی باشد، نه تنها ارزش ندارد، که ضد ارزش است و اهانت به انسان و ضایع کردن عظمت‌های اوست.

اما اگر این سامانه اقتصادی منجر به داد و ستد فکری و سازندگی روحی شود، مترقی و در خور تحسین و پل سازندگی و بال رستگاری ملت‌هاست.<sup>۳</sup>

نارسایی‌های اقتصادی به راستی، مشکل آفرین و بحران‌زا هستند و ناهنجاری‌های زیادی را در جامعه ایجاد می‌کنند.<sup>۴</sup>

مرگ بسیاری از انسان‌ها بر اثر سوء تغذیه، شکسته شدن دیوار حیا و در نتیجه، فساد و خودفروشی و رذالت، جاسوسی برای دشمن و خودکشی و مشکلات روانی و هزاران بی‌دینی دیگر، نتیجه قهری چنین جامعه‌ای است. علی (ع) به جهت جلوگیری از پیش آمدن چنین ناهنجاری‌هاست که ایثار می‌کند و دیگران را بر خودش مقدم می‌دارد، هرچند خودش سه شب غذا نخورد؛ چون طاقت دارد: ﴿و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة﴾.<sup>۵</sup>

قرآن بر طبق همین ارتباط تنگاتنگ بین مسائل اقتصادی و دین‌مداری، برنامه‌های

۱. نور، ۵۵.

۲. ماهنامه موعود، ش ۳۵، ص ۷۱، (به نقل از نعمانی، الغیبة، چاپ مکتبه الصدوق، ص ۲۴۰).

۳. «ثلاثة يحتاج الناس طرا اليها: الأمن و العدل و الخصب؛ سه چیز است که همه مردم به آن نیاز دارند: امنیت، عدالت و رفاه» - [حرانی، تحف العقول، ص ۲۳۶].

۴. علی (ع): «الفقر الموت الاكبر» [نهج البلاغة، حکمت ۱۶۳] و درجایی دیگر: «يا بني، اني اخاف عليك الفقر فاستعد بالله منه فان الفقر منقصة للدين مدهشة للعقل داعية للمقت» [همان، حکمت ۳۱۹].

۵. حشر، ۹.

حساب‌شده‌ای برای گردش مناسب پول در رگ‌های جامعه ارائه می‌دهد و در همین راستا، آدمی را از انباشتن ثروت<sup>۱</sup> و تکاثر<sup>۲</sup> و کم‌فروشی<sup>۳</sup>، منع و ربا<sup>۴</sup> را پلید و عملی شیطانی معرفی می‌کند و با هدف توزیع عادلانه ثروت، به پرداخت خمس<sup>۵</sup> و زکات<sup>۶</sup> و به انفاق<sup>۷</sup> تشویق و به منظور ریشه کنی فقر، برای انفال<sup>۸</sup> قوانین خاصی وضع می‌کند و به قرض دادن<sup>۹</sup> ترغیب و از توزیع غیر عادلانه<sup>۱۰</sup> نهی می‌کند.

افزون بر آن، اگر جامعه‌ای با پیروی از الگوی قرآنی فوق، از روابط اقتصادی سالم و عادلانه بهره‌مند شد، آسمان و زمین نیز برکاتشان را از آنان دریغ نمی‌دارند و ثروت‌های نهفته خود را در اختیار آنان می‌گذارند که: ﴿ولو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا عليهم برکات من السماء و الارض﴾<sup>۱۱</sup> «اگر مردم شهرها و دیارها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم».

در حکومت مهدی(عج) که مردم به اطاعت خداوند روی می‌آورند و به فرمان حجت خدا گردن می‌نهند، دیگر دلیلی ندارد که زمین و آسمان از برکاتشان بر بندگان خدا مضایقه کنند. حضرت رسول(ص) در همین باره می‌فرماید:

زمین را عدل و داد فرا می‌گیرد و آسمان می‌بارد و در نتیجه، زمین محصول خود را پدیدار می‌سازد و امت من در حکومت آن حضرت از نعمتی برخوردار می‌شوند که هرگز مانند آن را ندیده‌اند.<sup>۱۲</sup>

امام باقر(ع) می‌فرماید:

هنگامی که قائم ما قیام کند، بیت المال را به گونه‌ای یکسان در میان مردم قسمت کرده، به عدالت در میان مردم رفتار می‌کند. ثروت‌های روی زمین و ثروت‌های زیر

۱. ﴿والذین یکنزون الذهب و الفضة و لا یفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم﴾، [توبه، ۳۴].

۲. ﴿الهاکم التکاثر حتی زرتم المقابر...﴾، [تکاثر، ۱].

۳. ﴿ویل للمطففین...﴾، [مطففین، ۱].

۴. ﴿الذین یأکلون الربا لا یقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المنس...﴾، [بقره، ۲۷۵].

۵. ﴿واعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسہ و للرسول...﴾، [انفال، ۴۱].

۶. ﴿واقیموا الصلاة و اتوا الزکاة و اطیعوا الرسول...﴾، [نور، ۵۶].

۷. ﴿انفقوا مما رزقناکم﴾، [منافقون، ۱۰].

۸. ﴿یسئلونک عن الانفال قل الانفال لله و للرسول...﴾، [انفال، ۱].

۹. ﴿من ذالذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه له...﴾، [حدید، ۱۱].

۱۰. ﴿واقیموا الوزن بالقسط و لا تخسروا المیزان﴾، [رحمن، ۹].

۱۱. اعراف، ۹۶.

۱۲. چشم اندازی به حکومت مهدی، ص ۲۰۴، (به نقل از اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴).

زمین نزد آن حضرت گرد آید. آن گاه حضرت به مردم خطاب می‌کند: بیایید و بگیرید آنچه را که برایش خویشاوندی را قطع می‌کردید و به خون‌ریزی و گناهان دست می‌زدید. او چنان می‌بخشد که کسی پیش از او چنان نکرده است.<sup>۱</sup>

و در جای دیگری می‌فرماید:

حضرت مهدی سالی دو بار عطایابی به مردم می‌دهد. آن حضرت ماهی دو بار حقوق می‌دهد و بین مردم یکسان رفتار می‌کند، به گونه‌ای که فرد نیازمند به زکات در جامعه یافت نمی‌شود. دارندگان زکات سهم فقیران را نزد آنان می‌آورند، ولی آنان نمی‌پذیرند. ناچار اموال را در کیسه‌های مخصوص پول می‌گذارند و در محله‌های شیعه نشین می‌چرخانند، ولی آنان می‌گویند ما را به درهم‌های شما نیازی نیست.<sup>۲</sup>

و در نهایت، امام علی (ع) در این باره می‌فرماید:

... زمین گنجینه‌های خود را برون اندازد و کلیدهای خویش را از در آشتی، تسلیم او سازد. پس روش عادلانه را به شما بنماید و آنچه از کتاب و سنت مرده است، زنده کند.<sup>۳</sup>

## نظام قضایی عدل مدار

عدالت مهم‌ترین نیاز بشر و بزرگ‌ترین گمشده او است و راه تحقق عدالت آن است که ارکان ظلم و ستم از قلمرو حاکم و قانون دور شود. یکی از محورهای مهم و اساسی در این راه، پالایش نظام قضایی از ظلم و بیداد است. قاضی عادل، سیستم قضایی عدالت‌مدار و قانون عدل، تضمین کننده عدالت است.

به همین خاطر، راه دستیابی به نظام قضایی عدالت‌مدار، نظارت بر سه محور پیش‌گفته است. این قرآن است که به هر سه محور توجه ویژه‌ای مبذول داشته و با یادآوری‌های مکرر خود به رهبران دینی، آنان را به داوری عادلانه دعوت کرده است:

﴿وإذا حکمتم بین الناس أن تحکموا بالعدل﴾<sup>۴</sup>؛ «چون میان مردم داوری کنید، به عدالت داوری کنید».

قرآن در زمینه قانون عدل نیز آن گاه که از اهداف رسالت سخن می‌گوید، همراهی کتاب

۱. همان، ص ۱۹۶، (به نقل از بحار، ج ۵۲، ص ۳۹۰).

۲. همان، (به نقل از نعمانی، الغیبة، ص ۲۳۸).

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۸.

۴. نساء، ۵۸؛ و در سوره مائده، ۴۲ نیز بدین مضمون آمده است: ﴿وان حکمت فاحکم بینهم بالتوسط ان الله یحب المقسطین﴾

و میزان را به عنوان قانون عدل و رمز برپایی قسط و عدل معرفی می‌فرماید.<sup>۱</sup>  
در نهایت، از رسولان خود به عنوان حاکمانی که بر مدار عدل قضاوت می‌کنند نام برده،  
چنین می‌فرماید:

«فاذا جاء رسولهم قضی بینهم بالقسط وهم لا یظلمون»<sup>۲</sup>.

بدین ترتیب، قرآن کریم برپایه عدل در حوزه قانون و شخص قاضی، ظلم و ستم را از  
حوزه نظام قضایی دور ساخته است.

حساسیت قرآن در ایجاد نظام قضایی عدل محور به حدی است که به کوچک‌ترین  
مسئله‌ای که منجر به برقراری عدالت در امر قضاوت شود توجه می‌کند. حتی برای شهادت و  
گواهی، شرایطی وضع کرده و تنها گواهی صاحبان عدل را می‌پذیرد:

«واشهدوا ذوی عدل منکم»<sup>۳</sup>.

و بر همین اساس، مؤمنان را به گواهی و شهادت عادلانه دعوت می‌کند:

«یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط»<sup>۴</sup>.

یکی از منابع مهم که رویه امام مهدی را در ایجاد عدالت تبیین می‌کند، نهج البلاغه  
امیرمؤمنان علی(ع) است. در جای جای نهج البلاغه، اصل مساوات و برادری به چشم  
می‌خورد. این را که همه در برابر قانون مساوی‌اند و وابستگان به حکومت نیز مانند دیگر افراد  
باید تابع قانون باشند، می‌توان از ماجرای زیر به دست آورد:

روزی امیرالمؤمنین به سبب تخلف یکی از جنگ‌جویان لشکرش به نام نجاشی یمنی  
بر وی حد جاری ساخت. یمنی‌ها خشمگین شدند و طارق بن عبدالله را نزد حضرت  
علی فرستادند. پس طارق نزد او آمد و گفت: یا امیرالمؤمنین! ما تصور نمی‌کردیم که  
اهل نافرمانی و فرمان‌برداری و اهل پراکندگی و اجتماع از لحاظ کیفر و مجازات در  
نزد والیان عادل و مردان با فضیلت برابر باشند، تا آن‌که عملی را که در حق نجاشی  
انجام دادی مشاهده کردیم. سینه‌های ما را از کینه شعله‌ور کردی و کار ما را پراکنده  
ساختی و ما را بر راهی انداختی که تصور می‌کردیم هر کس از آن راه برود، به دوزخ  
خواهد رسید. علی(ع) فرمود: «وانها لکبیرة الا علی الخاشعین»<sup>۵</sup>؛ «آن کاری  
دشوار است مگر بر خاشعان». ای طارق! مگر او فردی غیر از مسلمانان است؟! حرمت

۱. «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات وانزلنا معهم الکتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط» [حدید، ۲۵].

۲. یونس، ۴۷.

۳. طلاق، ۲؛ و در سوره مائده، ۹۵ نیز بدین مضمون آمده است: «فجزاء مثل ما قتل من النعم یحکم به ذوا عدل منکم».

۴. مائده، ۸.

۵. بقره، ۴۵.

آنچه خدا حرام کرده بود درید، ما هم حدی که کفاره آن بود جاری ساختیم. خدای متعال فرموده است: ﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنَ قَوْمٍ عَلٰٓی اَلَّا تَعْدِلُوْا اَعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی﴾<sup>۱</sup>؛ «دشمنی قومی شما را بر آن ندارد که به عدل رفتار نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است». پس چون شب فرا رسید، طارق و نجاشی شبانه به جانب معاویه به راه افتادند [تا از مساوات و عدالت فرار کرده باشند].<sup>۲</sup>

در دوران امام مهدی نیز چنین سیره‌ای دنبال خواهد شد. قضات ستمگر از کار معزول و رشوه‌گیران و سیاسی‌کاران از دستگاه قضایی حضرت برکنار می‌شوند:

«... لِنَزَعِنَا عَنْكُمْ قِضَاةَ السُّوْءِ وَ لِيَقْبِضَنَّ مِنْكُمْ الْمُرَاضِيْنَ...»<sup>۳</sup>

امام صادق (ع) می‌فرماید:

هنگامی که قائم آل محمد (ص) قیام کند، از پشت کعبه هفده نفر را بیرون می‌آورد: پنج نفر از قوم موسی هستند که به حق قضاوت می‌کنند... و هفت نفر از اصحاب کهف و یوشع وصی موسی و...<sup>۴</sup>

در عصر حضرت برای سرپرستی امر قضا از افرادی استفاده می‌شود که علاوه بر تسلط کامل بر مبانی فقهی و امور قضایی، عدالت‌گستر نیز باشند. ابو بصیر از امام صادق (ع) پرسید: آیا جز این گروه، افراد دیگری در پشت کعبه نیستند؟ حضرت فرمود:

آری، مؤمنان دیگری نیز هستند، ولی این گروه فقها، نخبگان، حاکمان خواهند بود که پیش رو و پشت سرشان را حضرت دست می‌گذارد و مسح می‌کند و در پس آن، هیچ قضاوتی بر آنان دشوار نخواهد بود.<sup>۵</sup>

## ابزار عدل

ابزار عدالت در قرآن به شکلی کاملاً روشن تبیین شده است. خداوند متعال در آیه بیست و پنج سوره حدید از این ابزار سخن می‌گوید. حربه اولیه تمامی پیامبران برای ایجاد قسط و عدل را کار فرهنگی، یعنی ایجاد بینات و روشنگری به شمار آورده، می‌فرماید: ﴿لَقَدْ اَرْسَلْنَا

۱. مائدة، ۸.

۲. مجله گل نرگس، ص ۵۳، مهرماه ۸۱.

۳. بحار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

۴. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۰.

۵. ابن طاووس، الملاحم و الفتن، ص ۲۰۲. امام باقر (ع) در همین زمینه می‌فرماید: «در روزگار مهدی (ع) به اندازه‌ای به شما حکمت و فهم داده خواهد شد که یک زن در خانه‌اش، بر طبق کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) قضاوت می‌کند»، [بحار، ج ۵۲، ص ۳۵۲].

رسلنا بالبينات). آن گاه با توجه به اهمیت قانون عدل، از کتاب و میزان سخن به میان می‌آورد: «وانزلنا معهم الكتاب و الميزان» و در مرحله سوم، از قدرت سلاح و نیروی نظامی با تعبیر «وانزلنا الحديد فيه بأس شديد»<sup>۱</sup> یاد کرده است.

امام باقر(ع) با توجه به اهمیت سه عنصر فوق برای ایجاد عدالت می‌فرماید:  
«امامی که قرآن، دانش و سلاح نزد اوست از ماست».<sup>۲</sup>

در این روایت، از اجرای عدالت بحث شده است؛ زیرا پیشوایی می‌تواند به طور کامل قسط و عدل را در جامعه اجرا و جامعه را به سوی کمال رهبری کند که سه نیروی: «دانش»، «قانون» و «قدرت» را داشته باشد. دانشی که بتواند به وسیله آن فرهنگ سازی کند. قانونی که عموم انسان‌ها آن را نصب العین خود قرار دهند و قدرت و اسلحه‌ای که معاندان و موانع رشد آدمی را از سر راه بردارد.

### الف) رشد فرهنگی (روشنگری)

یکی از مهم‌ترین ابزار ایجاد عدالت در آرمان‌شهر مهدوی، روشنگری و زمینه‌سازی فرهنگی است. در مدینه فاضله مهدوی، رشد عقل و عقلانیت در سر لوحه کارهای حضرت قرار دارد. در آن دوران، اندیشه‌ها به اوج شکوفایی می‌رسد. علوم و فنون تکامل می‌یابد و همراه آن، برتری‌های انسانی و اخلاقی مراحل عالی خود را پیدا می‌کند.  
امام صادق(ع) می‌فرماید:

دانش بیست و هفت بخش دارد که بشر تا کنون دو بخش از آن را آموخته است. به هنگام قیام امام زمان(ع)، بیست و پنج باب دیگر بر آن افزوده می‌شود و در میان جامعه گسترش می‌یابد.<sup>۳</sup>

در نظام الهی مهدوی، آدمی به نهایت بلوغ خود می‌رسد و اندیشه و تفکر جامعه رنگی از نوع آرمانی به خود می‌گیرد. امام باقر(ع) از این تحول، این چنین یاد می‌کند:  
آن گاه که قائم ما قیام کند، دست محبت و امامت بر سر بندگان نهد و پس از آن، خردها را بالنده می‌سازد و خلق و خوی‌ها را به تمام و کمال می‌رساند.<sup>۴</sup>

۱. حدید، ۲۵.

۲. طبسی، چشم اندازی به حکومت مهدی، ص ۱۷۸.

۳. بخار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۴. همان.

در نظام عدل مهدوی، با اجرای برنامه‌های تربیتی، عشق و علاقه مردم به فراگیری تعالیم قرآنی به نهایت اوج خود می‌رسد. امام علی(ع) از این فضا گفت‌وگو می‌کند:

گویا شیعیانم را می‌بینم که در مسجد کوفه گرد آمده‌اند و با برپایی چادرهایی، قرآن را همان گونه که نازل شده، به مردم آموزش می‌دهند.<sup>۱</sup>

در دوران ظهور، دل‌ها به چنان وسعتی می‌رسد که پلیدی‌ها در آن زنگاری پدید نمی‌آورد. امام علی(ع) می‌فرماید:

«... در زمان ظهور و قیام قائم ما، دل‌های بندگان از کینه‌ها پاک گردد...»<sup>۲</sup>

در اثر تلاش فرهنگی امام موعود، یکی از عوامل مهم عدل‌پذیری در جامعه ایجاد شده و بدین ترتیب، حرص و طمع از میان می‌رود و روح بی‌نیازی و استغنا بر فرهنگ آن روز حاکم می‌شود. رسول خدا(ص) می‌فرماید:

زمانی که حضرت مهدی(ع) قیام کند، خداوند غنا و بی‌نیازی را در دل بندگان می‌نهد، به گونه‌ای که حضرت اعلام می‌کند هر کس به مال و ثروت نیاز دارد بیاید، ولی کسی پیشقدم نمی‌شود.<sup>۳</sup>

همان‌گونه که از اساسی‌ترین شیوه‌های تربیتی پیامبران، گسستن بندها و زنجیرهای وابستگی از وجود آدمی است،<sup>۴</sup> روش و سیره امام مهدی(ع) نیز بر همین پایه و اساس است؛ چنان که پیامبر مکرم راجع به آن می‌فرمایند:

«... به (بالمهدی)... یخرج ذلّ الرق من اعناقکم...»<sup>۵</sup>

«... به سبب مهدی... زنجیرهای بردگی و اسارت از گردن‌های شما گسسته خواهد شد...».

در جامعه اسلامی مهدوی، در زمینه تربیتی، بر تعاون میان برادران ایمانی تأکید فوق‌العاده‌ای شده است. اسحاق می‌گوید: خدمت امام صادق(ع) بودم که آن حضرت از کمک و همکاری با برادران سخن به میان آورد، آن‌گاه فرمود:

هنگامی که حضرت قائم(ع) ظهور کند، کمک کردن به برادران واجب می‌شود و

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۳۱۸.

۲. بحار، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

۳. ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۱.

۴. «یضع عنهم إصرهم و الاغلال التي كانت علیهم»، [اعراف، ۱۵۷].

۵. بحار، ج ۵۱، ص ۵۷.



تقویت و تعاون نسبت به آنان لازم شمرده می‌شود.<sup>۱</sup>

حضرت حتی در زمینه عبادی نیز عدالت را رعایت می‌کند و در هنگام موسم حج، از مردم می‌خواهد که اعمال مستحبی را انجام ندهند تا راه برای انجام مناسک تمتع باز و از ازدحام جمعیت کاسته شود. امام صادق(ع) می‌فرماید:

اولین دستور عادلانه‌ای که از قائم صادر می‌شود این است که نمایندگان آن حضرت اعلام می‌دارند که طواف کنندگان مستحبی و کسانی که به استلام حجر الاسود مشغول‌اند، مطاف را برای حاجیان و ناسکین اعمال تمتع (حج واجب) خالی کنند.<sup>۲</sup>

### (ب) قانون (کتاب)

در دوران ظهور، اصل عدالت در ریز و درشت مسائل اجرا می‌شود و درشت‌ترین امور در چارچوب میزان عدل و قانون مهدوی محدود می‌گردد به گونه‌ای که هیچ‌گونه ستمی به احدی روا نمی‌گردد و اندک ظلمی صورت نمی‌پذیرد، چنان که امام رضا(ع) می‌فرماید:

... خدا به وسیله وی زمین را از هرگونه ستمی پاک می‌گرداند... و آن‌گاه که ظهور کند، قانون عادلانه را در بین مردم رواج می‌دهد؛ در نتیجه، هیچ‌کس به کس دیگر ظلم روا نمی‌دارد.<sup>۳</sup>

با شناخت قانون عدل و مشخص شدن حد و مرز و چارچوب عدل، همگان از اصول و فروع عدل در روابط اجتماعی و رفتار فردی آگاه می‌گردند. زمامداران وظیفه خویش را به روشنی می‌شناسند و عموم مردم نیز رفتار خویش را تصحیح می‌کنند و به اصول عدالت گردن می‌نهند.

امام کاظم(ع) در باره این فرموده خداوند که: ﴿يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾<sup>۴</sup>: «زمین را پس

از مردن زنده می‌کند» فرمود:

این زنده کردن زمین با باران نیست؛ بلکه خداوند مردانی را بر می‌انگیزد تا عدالت را زنده کنند. پس زمین در پرتو عدل زنده می‌شود. بی‌تردید، اجرای حد خدا در زمین مفیدتر از چهل روز بارندگی است.<sup>۵</sup>

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۵.

۲. بحار، ج ۵۲، ص ۳۷۴؛ کافی، ج ۳، ص ۴۲۷.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۲.

۴. روم، ۲۴.

۵. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۸۱.

## ج) قدرت

از آن جا که هدف از قیام حضرت مهدی (عج) برپایی حکومت عدل الهی در سراسر جهان و نابودی ستم و ستمگر در تمامی سرزمین‌هاست، به طور طبیعی برای دستیابی به این هدف، با دشواری‌ها و موانعی رو به رو خواهد شد که باید با انجام عملیات نظامی از سد آن موانع عبور کند و حاکمیت عدل و عدالت را در گستره خاکی پی ریزد.

بی‌تردید، آدمی هرچه آرمانی و اخلاقی فکر کند و به اصلاح معنوی و تربیتی جامعه و انسان بیندیشد، کاربرد نیروی نظامی را به عنوان یک راه و ابزار مقدماتی و اجتناب‌ناپذیر نمی‌تواند از نظر دور بدارد. مطالعه تاریخ بشری به خوبی این واقعیت را آشکار می‌سازد که موانع رشد و تکامل انسان جز با اعمال قدرت از سر راه برداشته نمی‌شود.

برای تربیت و هدایت طبقه سلطه طلب، استثمارگر، دنیا زده و برای این که آنها سد راه انسان‌ها نگردند و راه رشد را بر توده‌ها نبندند، راهی جز جنگ و کاربرد نیرو به عنوان یک ضرورت برای دستیابی به هدف‌های فوق نمی‌باشد. در قرآن نیز با توجه به همین واقعیت است که می‌فرماید:

﴿قاتلوهم حتی لا تكون فتنة و یكون الدین لله ...﴾<sup>۱</sup>

تعبیرهای کوبنده احادیث در ترسیم این حرکت امام منجی در خور توجه است:  
امام علی (ع) می‌فرماید:

... بای ابن خیرة الاماء ... یسومهم خسفاً و یسقیهم بکأس مصبرة، و لا یعطیهم الاّ السیف هر جا ...<sup>۲</sup>

پدرم فدای پسر بهترین زنان! (یعنی قائم (ع)) ... ظالمان را خوار و ذلیل می‌کند و جام زهرآگین به کامشان خواهد ریخت و با شمشیر و کشتاری فراگیر با آنان برخورد خواهد کرد.

بنابراین، امام موعود با تشکیلات نظامی و قدرت شمشیر خود چنان هراسی در دل ظالمان و استثمارگران جهان می‌اندازد که همه مطیع او می‌شوند.

امام باقر (ع) در حال قرائت این آیه شریفه بودند: ﴿بعثنا علیکم عباداً لنا اولی بأس

شدید﴾<sup>۳</sup> آن گاه فرمودند: «منظور از بندگان ما که سخت نیرومندند، قائم و اصحاب او هستند».<sup>۴</sup>

۱. بقره، ۱۹۳.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۲۹.

۳. اسراء، ۵.

۴. بحار، ج ۵۱، ص ۵۷.

با ایجاد این قدرت است که امام(ع) تمامی منحرفان و فریبکاران را از سر راه بر می‌دارد. امام کاظم(ع) می‌فرماید:

... دوازدهمین ما، خدا هر مشکلی را برایش آسان می‌گرداند... به وسیله او هر ستمگر جنگ طلبی را نابود می‌کند و تمامی شیطانهای رانده شده به دست او به هلاکت می‌رسند.<sup>۱</sup>

امام باقر(ع) می‌فرماید:

همانا در قائم آل محمد، شباهتهایی از پنج پیامبر(ص) می‌باشد ... و اما شباهت او به جدش پیامبر(ص) قیامش با شمشیر و به هلاکت رساندن دشمنان خدا و رسول و درهم کوبیدن متکبران و طاغوتیان است و به راستی، با ترس و شمشیر یاری می‌شود. راوی می‌گوید: از امام صادق(ع) پیرامون آیات ۱ تا ۴ سوره غاشیه: «هل اتاک حدیث الغاشیه، وجوه یومئذ خاشعة، عاملة ناصبة، تصلی ناراً حامیه» سؤال کردم. امام(ع) فرمود:

معنای «آیا حدیث غاشیه به تو رسیده است؟» این است که حضرت قائم(ع) شما را با شمشیر فراگیرد. راوی می‌گوید: از این آیه که می‌فرماید: «چهره‌هایی در آن روز ذلت بارند» پرسیدم: امام فرمود: عده‌ای آن چنان ذلیل و خوارند که توانایی رد کردن آن عذاب و عقوبت را ندارند. راوی می‌گوید: از آیه «عاملة ناصبة» سؤال نمودم. امام فرمود: اینان به غیر آنچه خداوند نازل فرموده عمل کرده و غیر از والیان امام را نصب نموده‌اند. راوی می‌گوید: از این آیه که می‌گوید: «به آتش سوزان می‌رسند» سؤال کردم. امام فرمود: به آتش جنگ در دنیا در عهد حضرت قائم(ع) دچار می‌شوند و در آخرت به آتش دوزخ فرو می‌افتند.<sup>۲</sup>

به هر تقدیر، دوران حاکمیت آن امام موعود فرا می‌رسد و طعم شیرین عدالت را به همه جهانیان می‌چشانند. امام باقر(ع) می‌فرماید:

«پس از ظهور مهدی(عج) هیچ حقی از کسی بر عهده دیگری نمی‌ماند، مگر آن که آن حضرت آن را می‌ستاند و به صاحب حق می‌دهد».<sup>۳</sup>

حضرت رسول(ع) نیز می‌فرماید:

«حکومت مهدی(عج) به گونه‌ای است که دو زن شبانه حرکت کرده، مسافرت

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۶۹.

۲. مولوی نیا، سیمای مهدویت در قرآن، ص ۶۲.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۲.

می‌کنند و از بی عدالتی و ستم هراسی ندارند»<sup>۱</sup>.

اللهم و املأ كل افق من الآفاق و قطر من الاقطار قسطاً و عدلاً و مرحمة و فضلاً و اشكرهم على حسب كرمك و جودك ما مننت به على القائمين بالقسط من عبادك و اذخرت لهم من ثوابك ما ترفع لهم به الدرجات انك تفعل ما تشاء و تحکم ما تريد.<sup>۲</sup>

بر دروگارا! جغرافیای هستی، نشئه قسط و عدل است، جای جای زمین،

سناي هستی و لطف می‌کند، وسیع سماک، چشم انتظار آبی آسما است...!

بر دروگارا! آنگونه که آنه دلاره کوی عدالت را می‌نوازی نگاه مهربانست را

بر مؤمنان ثابت نیز سازگرا!

بر دروگارا! عطای خوبی را بر آینه باقی بد را در بر حرفتای بیغزاکه می‌دانه

فها تدیر دلاره نوست که بر جای عالم می‌نشیند!

۱. طبیبی، چشم اندازی به حکومت حضرت مهدی، ص ۱۹۱، (به نقل از معجم الکبیر، ج ۸، ص ۱۷۹).

۲. مصباح المتعجد، ص ۱۶۱.